

## ماهیت و دیدگاه‌های اخلاق زیست محیطی با تأکید بر دیدگاه اسلامی

احمد عابدی سروسنانی<sup>۱\*</sup>، دکتر منصور شاهولی<sup>۲</sup> و دکتر سیدمصطفی محقق داماد<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز

۲. دانشیار ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز

۳. استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی

### چکیده

امروزه، وخامت بحران‌های زیست‌محیطی تا حدی است که حیات انسان و سایر موجودات بر کره خاکی را به مخاطره انداخته است. به همین دلیل، مبانی نظری تعیین‌کننده تعامل انسان با طبیعت، از جمله اخلاق، مورد توجه علاقه‌مندان به محیط زیست قرار گرفته است. به طوری که تبیین نظریه اخلاق زیست‌محیطی مناسب، از ضروریات حفاظت و بهره‌برداری از محیط زیست محسوب می‌گردد. اخلاق زیست محیطی رایج، بر طیفی از مبانی ارزش ذاتی قرار دارند که انسان‌محوری و زیست‌بوم‌محوری، دو سر آن را تشکیل می‌دهند اما، در سال‌های اخیر تعامل مناسب انسان با محیط زیست طبیعی و راه‌حل بحران‌های زیست محیطی در بازگشت به مبانی دینی و معنوی جستجو می‌شود. در مقاله حاضر سعی شده است تا دیدگاه‌های اخلاق زیست‌محیطی با توجه به دو پرسش اساسی اخلاقی یعنی، "کانون ارزش ذاتی" و "معیار عمل اخلاقی" تشریح شوند و نشان داده شود که چرا تبیین اخلاق زیست محیطی مبتنی بر دیدگاه خدا محوری، دیدگاهی جامع‌تر برای حفاظت از محیط زیست می‌باشد. در ادامه نیز، با ارائه رهیافت خودبوم‌شناسی، تلاش شده است تا رهیافتی در اخلاق زیست محیطی بر مبنای خدا محوری ارائه گردد که با الهام از انسان‌شناسی اسلام و با تأکید بر بُعد روحانی نفس انسان، تعامل مناسب انسان و محیط زیست را بر مبنای خودشناسی و صیانت نفس بنا می‌دهد.

کلید واژه‌ها: اخلاق زیست محیطی، بحران زیست محیطی، خدا محوری، خودبوم‌شناسی

### سرآغاز

افزوده می‌شود که نمی‌توان همانند گذشته به مصرف منابع جهان ادامه داد (۲) و نشانه‌های تنگناهای زیست‌محیطی در همه جا آشکار شده است. اگرچه ارائه آمار و اطلاعات پیرامون وضعیت محیط زیست لازم است اما، بیش از این که به اطلاعات علمی درباره خسارات وارد شده به زمین نیاز باشد، به توافقی

امروزه، محیط زیست طبیعی مورد تهدید است زیرا، انسان با کمک فناوری، قادر است تا در سطح کره زمین، به تخریب محیط زیست اقدام کند (۱). بروز بحران‌های زیست محیطی موجب طرح این پرسش شده است که آیا محیط زیست می‌تواند ادامه رفتار فعلی انسان‌ها را دوام بیاورد؟ هر روز بر این آگاهی

اخلاق زیست محیطی، رهیافتی مناسب برای این منظور از دید اسلامی ارائه گردد.

### چرا اخلاق زیست محیطی لازم است؟

واقعیت این است که در تعاریف متداول توسعه، ابعاد معنوی و اخلاقی، چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرند (۷) و پرسش این است که آیا با دخالت‌های مدیریتی می‌توان از عهده مسایل زیست‌محیطی ناشی از توسعه برآمد، یا این که نقشی نیز باید برای میراث معنوی از طریق ایجاد اخلاق زیست محیطی در دنیای سکولار کنونی جست؟ (۸). واقعیت این است که از ریشه‌های تاریخی بحران‌های زیست محیطی، دیدگاه‌های فلسفی، مذهبی و اخلاقی ما نسبت به آنها یعنی ارزش‌ها، بایدها و نبایدها و خوبی‌ها و زشتی‌ها، کمتر سخنی به میان می‌آید. در حالی که، بدون پرداختن صحیح به این مباحث در فراگیرترین شکل فلسفی و اخلاقی آنها، هر چه از تباه شدن محیط زیست و ضرورت حفظ آن گفته شود، راه به جایی نخواهیم برد (۹). اهمیت درک و شناخت اخلاق تا حدی است که اغلب دانشمندان و بسیاری از متخصصان محیط زیست، حفاظت محیط زیست را یک موضوع مهم اخلاقی می‌دانند (۱۰). اما، در زمینه نوع اخلاقی که بتواند با تشریح حوادث و فجایع زیست محیطی، به ویرای پراگماتیسم رود و درک و احساس جدیدی را از جایگاه مخلوقات در جهان ارائه دهد، کمبود وجود دارد (۱۱). اخلاق به طور سنتی، به تعریف روابط بین افراد و روابط بین افراد و جامعه پرداخته است و بنا بر نظر برخی صاحب‌نظران، اخلاقی که رابطه دوجانبه بین انسان و زمین، حیوانات و گیاهان را تنظیم کند، تا کنون وجود نداشته است. از نظر آنان، گسترش اخلاق به این جزء سوم، یعنی رابطه انسان با محیط زیست، یک فرصت انقلابی و ضرورتی زیست‌محیطی است (۱۲). امروزه، این نیاز بیشتر احساس می‌شود که علائق انسانی در مقابل علائق سایر موجودات، متعادل شود زیرا نکته مهم، چگونگی حفاظت از جمعیت غیرانسانی در برابر آسیب‌های انسانی است (۱۳). از این‌رو، به اخلاق زیست محیطی به عنوان مبنایی برای پاسخگویی به این قبیل دغدغه‌ها توجه می‌شود.

تغییرات ایجاد شده در طبیعت به وسیله فعالیت‌های انسان‌ها، به تردید و ضرورت ارزیابی مواضع اخلاقی نسبت به طبیعت منجر شده است و به دنبال آن، اخلاق زیست محیطی با تعریف مجدد بایدها و نبایدها در ارتباط با محیط زیست و ارزیابی موقعیت بشر نسبت به آن مواجه شده است. در واقع، به دلیل نبود توافق پیرامون راه‌هایی که باید برای اصلاح یا تغییر شکل تعامل

درباره چگونگی رفتار نسبت به این سیاره نیاز است (۳). در این شرایط، انسان باید به این پرسش سخت پاسخ گوید که هنگامی که افراد خواهان به حداکثر رساندن سود خود هستند چگونه می‌توان از بهره‌برداری بیش از حد و تخریب منابع طبیعی جلوگیری کرد؟ (۴). در واقع چالش موجود، چگونه زندگی کردن بر روی زمین نیست بلکه، قبولاندن این چگونگی به افراد است (۵). در این راستا، می‌توان به بیانیه هشدار دانشمندان به بشریت در سال ۱۹۹۲، اشاره کرد که در آن بیش از ۱۰۰۰ دانشمند از ۷۲ کشور و از جمله ۱۰۵ برنده جایزه نوبل، با انتشار نامه‌ای اعلام نمودند که برای توجه به زمین، اخلاق و شیوه نگرش جدیدی لازم است. این اخلاق می‌باید حرکت عظیمی را برانگیزد و رهبران، حکومت‌ها و انسان‌های بی‌میل را وادارد که تغییرات لازم را ایجاد کنند (۶). با درک اهمیت اخلاق در حفاظت از محیط زیست، افراد مختلف سعی کرده‌اند تا نظریه‌ها و رهیافت‌هایی پیرامون اخلاق زیست محیطی ارائه دهند. از بین آنها می‌توان به لئوپولد<sup>۱</sup>، رولستون<sup>۲</sup>، تیلور<sup>۳</sup>، کلیکات<sup>۴</sup>، ریگان<sup>۵</sup> و نائس<sup>۶</sup>، اشاره کرد. این افراد با بیان ضرورت بسط جایگاه اخلاقی به سایر موجودات، هرکدام به نوعی از اخلاق زیست محیطی معتقدند که در آن، برخی از گونه‌ها و یا اجزای زیست‌بوم و یا کل زیست‌بوم، از جایگاه اخلاقی برخوردارند. برای مثال، ریگان، با طرفداری از زیست محوری، آن نوع اخلاق زیست محیطی را پیشنهاد می‌دهد که می‌توان آن را موضعی قوی در حمایت از حیوانات دانست. در مقابل، لئوپولد با ارائه اخلاق زمین، معتقد به نوعی اخلاق زیست‌بوم محور است که در آن، رفتاری با محیط زیست درست است که به حفظ انسجام، ثبات و زیبایی زمین کمک کند. اگرچه تلاش‌های انجام شده در ارائه نظریه‌ها و رهیافت‌های اخلاق زیست محیطی، در جای خود با ارزش‌اند اما، جهان همچنان نیازمند نظریه‌ای جامع در این رابطه است.

### روش و اهداف

مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی با این هدف تهیه شده است که با طرح ضرورت اخلاق زیست محیطی، مهمترین دیدگاه‌های موجود در این رابطه معرفی شوند و ضمن طرح اهمیت ادیان در تبیین

- 1- Aldo Leopold
- 2- Holmes Rolston
- 3- Paul Taylor
- 4- Baird Callicott
- 5- Tom Regan
- 6- Arne Naess

مشکل‌ساز انسان با محیط زیست، دنبال شوند، پیشنهادهای گوناگون و اغلب متضادی در این باره ارائه شده‌اند. این پیشنهادها بیشتر در قالب الگوهای هنجاری برای رفتار اجتماعی یا اخلاق زیست‌محیطی، مفهوم‌سازی شده‌اند (۱۴).

از دلایل دیگر ضرورت اخلاق زیست‌محیطی، تأثیری است که جهان‌بینی و راهنمایی‌های اخلاقی، بر رفتارهای فردی و جمعی دارند (۱۵). باورهای زیست‌محیطی یا جهان‌بینی، به عنوان نظامی از گرایش‌ها و باورها درباره رابطه بین انسان و محیط زیست، تعیین‌کننده رفتارهای حفاظتی یا چارچوب‌های مرجعی هستند که هنگام تعامل با محیط زیست از آنها استفاده می‌شود (۱۶). در این رابطه می‌توان گفت که طرز فکر ما اولین چیزی است که وارد محیط می‌شود و با شکل‌دهی چگونگی ارزش‌گذاری اجزای مختلف زیست‌بوم، چگونگی رفتار ما با آن را تعیین می‌کند (۱۷). لذا، نوع برخورد ما با محیط زیست تا حد زیادی به چگونگی درک ما از رابطه خود با آن وابسته است. این که ما چگونه برای محیط زیست ارزش قائلیم، تعیین‌کننده این است که نقش و عملکرد خود را بر زمین چگونه می‌بینیم و برای به اشتراک گذاردن این منابع با دیگران، چگونه رفتار می‌کنیم.

### مبانی اخلاق زیست‌محیطی

به طور کلی، اخلاق راهنمای عمل انسان است. انسان‌ها همواره با این پرسش روبرو بوده‌اند که چه رفتاری درست است؟ چه رفتاری ناشایست است و معیار درستی یا اشتباه بودن یک عمل چیست؟ اخلاق را نیز می‌توان مطالعه فلسفی رفتار درست و اشتباه و قوانین و اصولی دانست که باید رفتار را راهنمایی کنند (۱۳). اخلاق با تعیین معیارها برای تمییز رفتار درست از نادرست، و با مشخص کردن محدوده رفتار درست از طریق اعمال باید‌ها و نیاید‌ها، آزادی لجام گسیخته انسانی را مردود می‌داند و رعایت اصول آن، ضامن حفظ یکپارچگی اجتماع است.

پذیرش خالی نبودن طبیعت از ارزش را می‌توان سرآغاز اخلاق زیست‌محیطی دانست. اخلاق زیست‌محیطی بر این ایده استوار است که اخلاق باید به شکلی گسترش یابد تا روابط انسان‌ها و طبیعت را نیز شامل شود. عده‌ای بر این باورند که بررسی روابط با محیط زیست در قالب مسایل اخلاقی، به عصر حاضر مربوط می‌شود (۳) و شروع حمایت از اخلاق زیست‌محیطی را می‌توان از دهه ۱۹۶۰ میلادی دانست که با رشد پذیرش جنبش

زیست‌محیطی، همراه بوده است (۴). اخلاق زیست‌محیطی، شاخه‌ای از فلسفه کاربردی (۱۸) و از حیطه‌های اساسی اخلاق زیستی<sup>۱</sup> محسوب می‌شود (۱۹) که می‌باید قادر باشد تا میان مجموعه پیچیده‌ای از واقعیات سرگردان تجربی، ایدئولوژی‌ها و ارزش‌های انسانی، داوری کند (۳). سعی اخلاق زیست‌محیطی، ارائه دلایل نظام‌مند و جامعی برای این منظور است که چرا باید روابط اخلاقی بین انسان‌ها و محیط زیست طبیعی وجود داشته باشد و می‌توان آن را، مطالعه رفتار درست و اشتباه در درون یک محیط زیست مشخص، تعریف نمود (۱۵). بنابراین، نقش اصلی اخلاق زیست‌محیطی، ایجاد موانع درونی اخلاقی در آحاد جامعه برای رفتار نسبت به طبیعت است (۱۲).

در نظام‌ها و نظریات اخلاقی دو پرسش مهم وجود دارد. آنها عبارتند از (۲۰): ۱) چه چیزی به طور ذاتی ارزشمند است؟ و ۲) عمل درست<sup>۲</sup> یا نادرست<sup>۳</sup> از نظر اخلاقی چه نوع عملی است و معیار فعل اخلاقی چیست؟ پرسش اول از این رو مهم است که با آن مشخص می‌شود که چه چیزی شایسته برخورداری از جایگاه و الزامات اخلاقی است. در اخلاق سنتی، فقط انسان از جایگاه اخلاقی برخوردار است. لذا، طرح اخلاق در مباحث زیست‌محیطی نیازمند بررسی مجدد ارزش‌های انسانی در مقابل ارزش‌های جهان طبیعت و اجزای آن است. مباحث فلسفی پیرامون "جایگاه اخلاقی" محیط زیست<sup>۴</sup> صاصاً شامل این موضوع است که آیا امکان دارد ارزش ذاتی در موجودات غیرانسانی موجود باشد؟ و آیا وجود ارزش ذاتی برای توجیه حفاظت از محیط زیست طبیعی، ضروری است؟ (۲۱). نظریه ارزشی مورد استفاده در اخلاق زیست‌محیطی، بین دو نوع "ارزش ذاتی" و "ارزش ابزاری" برای تمام موجودات منفرد زنده، توده زنده<sup>۵</sup>، جمعیت‌ها، گونه‌ها، زیست‌بوم‌ها و حتی چشم‌اندازهای<sup>۵</sup> بدون ادراک، تمایز قائل می‌شود (۱۵). ارزش ذاتی معمولاً در مقابل ارزش ابزاری، معنا می‌یابد. ارزش ابزاری به این مفهوم است که ارزش یک شیء به ارزشی که برای اشیاء دیگر دارد وابسته است والا هیچ‌گونه ارزشی نخواهد داشت. در حالی که، ارزش ذاتی به این مفهوم است که یک شیء بدون این که برای شیء دیگری ارزشمند باشد یا نباشد، فی‌نفسه دارای ارزش است. برای مثال، آنهايي که معتقدند طبیعت

۱- اخلاق زیستی (Bioethics) از دو حیطه اساسی اخلاق زیست‌محیطی و اخلاق پزشکی (Medical Ethics) تشکیل شده است (۱۹).

2- Right  
3- Wrong  
4- Biomass  
5- Landscapes

می‌شود. هر نظریه اخلاقی به نحوی به این پرسش پاسخ گفته‌اند. این پاسخ‌ها در بسیاری موارد با هم متضاداند که ناشی از مبانی هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی و ارزش‌شناسی آنها است. اما اخلاق زیست محیطی، حداقل در غرب نوین، را می‌توان در قالب سه نظریه اخلاق هنجاری مورد بررسی قرار دارد که به اندازه کافی تنوع دارند تا مباحث مرتبط با معیار عمل اخلاقی را پوشش دهند. این نظریه‌ها عبارتند از (۱۳؛ ۲۶): الف) فایده‌گرایی<sup>۱۰</sup>. در این نظریه که مشهورترین شکل اخلاق نتیجه‌گرا است، نتیجه مطلوب برای یک عمل، رسیدن به حداکثر شادی برای اکثریت افراد است و معیار اصلی برای ارزشیابی درستی یک کار، مجموع یا متوسط منفعت برای یک جمعیت است. ب) وظیفه‌گرایی<sup>۱۱</sup>. در این نظریه، ارزش اخلاقی یک عمل به نتایج ربطی ندارد بلکه، به نوع عمل وابسته است. به این معنا که عملی درست است که بر اساس اصول اخلاقی درست انجام شده باشد. ج) فضیلت‌گرایی<sup>۱۲</sup>. در این نظریه، معیار عمل اخلاقی، فضایل و رذایل هستند و در آن، بیشتر به فاعل فعل و ویژگی‌های شخصیتی و منش او توجه می‌شود. در این نظریه، اگر فاعل در انجام یک رفتار از انگیزه شایسته برخوردار باشد و آن رفتار را صرفاً به دلیل ارزش و فضیلت بودن آن انجام داده باشد، عملی فضیلت‌مند و اخلاقی را انجام داده است و در غیر این صورت، آن رفتار اخلاقی نیست.

### رهیافت‌های متداول اخلاق زیست محیطی

با توجه به دو پرسش اساسی اخلاق، یعنی "کانون ارزش ذاتی" و "معیار عمل اخلاقی"، طیفی از رویافت‌ها<sup>۱۳</sup> در اخلاق زیست محیطی قابل شناسایی است. در واقع، این رویافت‌ها را می‌توان نمود تلاش‌های انجام شده برای بسط دغدغه‌های اخلاقی به نحوی دانست که محیط زیست طبیعی و اجزای غیرانسانی آن را دربر گیرد. رایج‌ترین این رویافت‌ها عبارتند از: حفاظت‌گرایی<sup>۱۴</sup>، صیانت‌گرایی<sup>۱۵</sup> (۲۷)، بوم‌شناسی اجتماع<sup>۱۶</sup>، حقوق حیوانات<sup>۱۷</sup>،

دارای ارزش ذاتی است، بر این موضوع تاکید دارند که بدون حضور انسان و یا بهره‌برداری انسان از طبیعت، باز هم طبیعت به خودی خود دارای ارزش است. در این رابطه، اخلاق زیست محیطی در غرب، به دو دسته اخلاق انسان محور<sup>۱</sup> و اخلاق مبتنی بر احساس و آگاهی<sup>۲</sup>، قابل تقسیم است و طی چهار تا پنج دهه اخیر، مباحثات عمیقی بین ذهن‌گرایان ارزشی<sup>۳</sup> و عین‌گرایان طرفدار طبیعت<sup>۴</sup> به وجود آمده است. اولی، معتقد است که ارزش‌ها به یک ارزیاب نیاز دارند درحالی‌که دومی، معتقد به ارزش ذاتی طبیعت است (۲۲). در همین رابطه، برخی دیگر بین سه جهت‌گیری ارزشی به عنوان مبنای گرایش‌های زیست محیطی، تفکیک قائل شده‌اند. این سه عبارتند از (۲۳، ۲۴ و ۲۵):

الف) جهت‌گیری ارزشی خودخواهانه<sup>۵</sup> که در آن مشکلات زیست محیطی می‌تواند به فرد آسیب برساند.

ب) جهت‌گیری ارزشی نوع دوستی اجتماعی<sup>۶</sup> که در آن مشکلات زیست محیطی می‌تواند به دیگر افراد آسیب برساند.

ج) جهت‌گیری ارزشی زیست‌محور یا زیست‌بوم‌محور<sup>۷</sup> که در آن، طبیعت مستقل از منافع انسانی دارای ارزش ذاتی است. از آنجا که جهت‌گیری ارزشی الف و ب، دوری از تخریب محیط زیست را به خاطر منافع انسانی مهم می‌دانند، پس این دو، یکسان و انسان‌محور هستند (۲۵). به این ترتیب، در فلسفه زیست محیطی معاصر، اصلی‌ترین منبع تفکیک اخلاق زیست محیطی ناشی از دو دیدگاه انسان‌محور<sup>۸</sup> و غیرانسان‌محور<sup>۹</sup> می‌باشد. در اخلاق انسان‌محور، فقط انسان‌ها دارای جایگاه اخلاقی هستند و تخریب محیط زیست تا آنجا مهم است که منافع انسانی را تحت تاثیر قرار دهد. در حالی که، دیدگاه غیرانسان‌محور با ردّ این نظر، جایگاه اخلاقی را به سایر موجودات زنده یا زیست‌بوم به عنوان یک کلیت، تعمیم می‌دهد و معتقد است که تاثیرات بر محیط زیست، موضوعی است که صرف نظر از پیامدهای آن برای انسان‌ها، دارای اهمیت است (۱۳).

پس از این که مشخص شد، چه چیزی از جایگاه اخلاقی برخوردار است، پرسش دوم، یعنی پرسش درباره عمل درست یا نادرست از منظر اخلاق مطرح

- 10- Utilitarianism
- 11- Deontology
- 12- Virtue-oriented

۱۳- رویافت را می‌توان شیوه عمل در یک نظام دانست که تجسم فلسفه آن نظام است (۳۱).

- 14- Conservationism
- 15- Preservationism
- 16- Social Ecology
- 17- Animal Right

- 1- Anthropocentric Ethics
- 2- Sentience Based Ethics
- 3- Value Subjectivists
- 4- Nature Objectivists
- 5- Egoistic Value Orientation
- 6- Social-Altruistic Value Orientation
- 7- Biocentric or Ecocentric Value Orientation
- 8- Anthropocentric View
- 9- Non Anthropocentric View

بوم‌شناسی ژرفانگر به دنبال تکامل نفس<sup>۹</sup> از طریق وحدت با بقیه اشیاء است و رسیدن به آن را از طریق یگانگی فرد با سایر افراد، گونه‌ها، زیست‌بوم‌ها و چشم‌اندازها<sup>۱۰</sup> ممکن می‌داند و معتقد است تکامل نفس، در نهایت کمال خود، به معنای تجربه هویت‌یابی<sup>۱۱</sup> در تنوع است که در مقابل بیگانگی<sup>۱۲</sup> قرار می‌گیرد. اکوفمینیسم، پیوندهای بین فمینیسم و بوم‌شناسی را مد نظر دارد و عمل سلطه<sup>۱۳</sup> را در روابط مرد با زن و انسان با طبیعت مورد نقد قرار می‌دهد و معتقد است که هر دو نوع سلطه باید از بین برود. در این رهیافت، ستم مرد به زن و انسان به طبیعت، از یکدیگر قابل تفکیک نبوده و باید همزمان مورد بررسی قرار گیرند (۳۲) و هر نظام اخلاق زیست محیطی که سلطه همزمان و متقابل بر زن و طبیعت را نادیده بگیرد، در بهترین حالت ناقص و در بدترین حالت، نامناسب است (۳۳). در نیکداری، بر پیشکاری<sup>۱۴</sup> انسان نسبت به سایر مخلوقات خداوند و حفاظت از آنها تاکید می‌شود. این رهیافت تاکید دارد که ما صاحب زمین نیستیم و سلطه انسان بر زمین، هیچ‌گاه مطلق نبوده است بلکه، مراقبت از مخلوقات به انسان واگذار شده است. ما فقط پیشکار هستیم و از ما خواسته شده است با مخلوقات، همان طور که خداوند خواسته است، به طور مقدس و خردمندانه رفتار کنیم و هنگامی که نتوانیم چنین کنیم، زمین زیان می‌بیند (۲). اگرچه معمولاً، مفاهیم پایداری و توسعه پایدار به عنوان رهیافت‌های اخلاقی در نظر گرفته نمی‌شوند اما، این مفاهیم می‌توانند بر حسب اخلاق تشریح شوند (۳۴). پایداری تلاش‌های بین‌رشته‌ای بین‌المللی برای آمیختن اهداف اقتصادی و زیست محیطی است (۳۵) که باید چیزی را دربرگیرد که انصاف (عدالت) بین نسلی<sup>۱۵</sup> نامیده می‌شود (۳۶). توسعه پایدار نیز فرآیند تغییری است که در آن، بهره‌برداری از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها و سوگیری توسعه فناوریانه و تغییرات نهادی، به صورت هماهنگ در راستای افزایش توانمندی‌های بالقوه نسل فعلی و نسل آینده برای برآورده کردن نیازها و آرمان‌های انسانی، عمل می‌کنند (۳۷). توسعه پایدار، انسان محور است. این موضوع را می‌توان از درک مدرن از توسعه پایدار نتیجه گرفت که دیدگاهی ابزاری نسبت به طبیعت دارد و معتقد به جدایی هستی‌شناسانه بین انسان و طبیعت است (۳۸).

اخلاق زمین<sup>۱</sup>، بوم‌شناسی ژرفانگر<sup>۲</sup>، اکوفمینیسم<sup>۳</sup>، نیکداری<sup>۴</sup>، توسعه پایدار<sup>۵</sup> و پایداری<sup>۶</sup> (۲۰).

حفاظت‌گرایی و صیانت‌گرایی نمود اخلاق زیست‌محیطی منبع‌گرا<sup>۷</sup> است که طبیعت را به عنوان منبعی وسیع برای استفاده انسان‌ها در نظر می‌گیرند. در حفاظت‌گرایی، اجزاء مختلف محیط زیست به این دلیل باید حفظ شوند که ارزش اقتصادی دارند. اما صیانت‌گرایی، ارزش‌گذاری اقتصادی صرف طبیعت را رد می‌کند و بر صیانت از طبیعت برای اطمینان از تنوع گونه‌ای، زیبایی نظام‌های طبیعی، و استفاده حال یا آینده انسان از طبیعت، تاکید دارد (۱۴). بوم‌شناسی اجتماع بر این باور است که تمام مشکلات زیست محیطی، از مشکلات اجتماعی ناشی می‌شوند و بدون عزم جدی برای حل آنها، مشکلات بوم‌شناختی نیز نمی‌توانند به روشنی درک شده و یا بر طرف شوند (۲۸). در حقوق حیوانات، حقوق و وظایف به حیوانات یا سلسله زیستی، بسط می‌یابد و علت آن را برخورداری حیوانات از هوشیاری یا خودآگاهی و ظرفیت استدلال می‌داند (۱۳) به طوری که برخی مدافعان این رهیافت معتقدند حقوق اخلاقی حیوانات به هیچ وجه از حقوق انسانی کمتر نیست. در اخلاق زمین، نقش انسان از یک فاتح به یک عضو ساده آن، تغییر می‌کند که مستلزم قائل شدن حرمت برای سایر اعضا و احترام برای کل اجتماع (زمین) است. کار اخلاق زمین گسترش محدوده مرزهای اجتماعی به نحوی است تا خاک، آب، گیاهان، جانوران یا به طور کلی، زمین را در بر گیرد. از نظر اخلاق زمین چیزی از نظر اخلاقی صحیح است که به انسجام، ثبات و زیبایی اجتماع زیستی کمک کند (۲۹). در بوم‌شناسی ژرفانگر، تلاش‌های موجود برای حفاظت از محیط‌زیست به دو جنبش بوم‌شناسی سطحی‌نگر و جنبش بوم‌شناسی ژرفانگر قابل تقسیم است که جنبش اول، به دنبال مبارزه علیه آلودگی و اتلاف منابع با هدف افزایش سلامتی و ثروت کشورهای توسعه یافته است. بوم‌شناسی ژرفانگر ادعا دارد که از بوم‌شناسی سطحی مفیدتر است و حرکت به سمت بوم‌شناسی ژرفانگر را یک وظیفه اخلاقی می‌داند. شعار بوم‌شناسی ژرفانگر، ساده در ابزار اما ارزشمند در نتایج<sup>۸</sup> است (۳۰).

- 9- Self Realization
- 10- Landscapes
- 11- Identification
- 12- Alienation
- 13- Dominance
- 14- Steward
- 15- Intergeneration Equity

- 1- Land Ethic
- 2- Deep Ecology
- 3- Ecofeminism
- 4- Stewardship
- 5- Sustainable Development
- 6- Sustainability
- 7- Resourcism
- 8- Simple in Means, Rich in Ends

## احمدی عابدی سروسناتی و همکاران: ماهیت و دیدگاه‌های اخلاق زیست محیطی با تاکید بر دیدگاه اسلامی

جدول ۱- مقایسه رهیافت‌های اخلاق زیست محیطی بر اساس نحوه پاسخگویی به دو پرسش اساسی اخلاق.

کانون ارزشی	اساس ارزشیابی	
	فرجام شناسی (پیامدها)	بایسته شناسی (وظیفه)
انسان محور	حفاظت‌گرایی	صیانت‌گرایی
زیست محور		حقوق حیوانات؛ اخلاق زمین
زیست‌بوم محور	بوم‌شناسی ژرفانگر	اکوفمینیسم

منبع: (۳۴).

محیطی از طریق پیوند علم و دین مورد تاکید قرار گرفت (۷). نمونه‌های دیگر شامل برگزاری پارلمان ادیان جهان<sup>۴</sup> در سال ۱۹۹۳ در شیکاگو و در سال ۱۹۹۹ در کیپ‌تاون<sup>۵</sup>، برگزاری سمینار تهران در سال ۲۰۰۱ پیرامون محیط زیست، فرهنگ و دین<sup>۶</sup>؛ (۴۲)، برگزاری نشست سران جهان و رهبران ادیان در مقر سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰ (۴۳) و برگزاری اولین همایش اسلام و محیط زیست در سال ۱۳۷۸ در تهران می‌باشد.

شواهد فوق بیانگر این واقعیت هستند که نسبت به گذشته، بشر آمادگی بیشتری را برای پذیرش تعلیمات ادیان دارد، به صورتی که دیدگاه جهانی نسبت به دین تغییر کرده است و به آن به عنوان عاملی موثر در رفع بحران‌های زیست محیطی، توجه می‌شود (۷).

با این شرایط، وقت آن رسیده است تا انسان برای حل بحران‌های زیست محیطی، مجدداً به سنت تاریخی ادیان رو آورد. این موضوع ما را به کانون ارزشی دیگری به نام خداگرایی<sup>۷</sup> رهنمون می‌شود. خداگرایی، رهیافتی خدامحور نسبت به جهان است که ناشی از ایمان دینی به این موضوع است که خداوند خالق و نگهدارنده زمین است (۴۴).

در این رابطه باید گفت که تمامی ادیان، تلقی مشترکی از خدامحوری ندارند به طوری که، برخی از مذاهب شرقی مانند هندوئیسم یا بودائیسم، طبیعت یا اجزای آن را به عنوان خدا در نظر می‌گیرند که از آن می‌توان به همه خداگرایی<sup>۸</sup> یاد کرد. اما ادیان ابراهیمی مانند اسلام، مسیحیت و یا یهودیت، به خدای واحد اعتقاد دارند و از نظر آنها، جهان هستی مخلوق خداوند واحد است.

دلیل دیگر، تاکید توسعه پایدار بر انسان به عنوان هدف توسعه و توجه به ابعاد زیست محیطی به دلیل تامین منافع انسان‌های فعلی و نسل آینده است. اما پایداری، به طور گسترده‌تری به ماورای ریشه‌های انسان محوری توسعه پایدار می‌رود، تا حدی که به یک نظریه زیست‌بوم محور، نزدیک می‌شود که بی‌شابهت به اخلاق نیکداری نیست (۳۴). با توجه به موارد مطرح شده پیرامون رهیافت‌های اخلاق زیست محیطی، می‌توان آنها را بر مبنای چگونگی پاسخ به دو پرسش اساسی اخلاق، بر اساس شرح جدول ۱، خلاصه کرد.

### خدامحوری<sup>۱</sup>: ارزش ذاتی برخاسته از ادیان

بسیاری بر این باورند که بحران زیست محیطی در واقع یک بحران معنوی و دینی است (۳۹) و جدایی دین از زندگی دنیوی، می‌تواند مهمترین عامل بروز بحران‌های زیست محیطی باشد زیرا، بوم‌شناسی انسانی<sup>۲</sup>، به شدت تحت تاثیر باورهای انسان نسبت به ماهیت و طبیعت انسان، یعنی دین، قرار دارد (۶). با اهمیت یافتن تاثیر باورهای اخلاقی و ارزش‌های مذهبی بر رفتار نسبت به دیگران و از جمله رابطه با سایر موجودات و گیاهان (۴۰)، تاکید بر این است که راه‌حل بحران‌های زیست محیطی در بازگشت مجدد به سنت ادیان جستجو شود (۴۱). در این رابطه می‌توان به گفتگوهای زیست محیطی در بین ادیان، اشاره کرد. برای مثال، گردهمایی بین‌المللی رهبران روحانی و پارلمانی<sup>۳</sup> در سال‌های ۱۹۸۸ در آکسفورد، ۱۹۹۰ در مسکو، ۱۹۹۲ در ریو و ۱۹۹۳ در کیوتو که در آنها رهبران ادیان جهان، سیاست‌مداران و سران کشورها حضور داشتند (۶). در این گردهمایی‌ها، حل بحران‌های زیست

4- Parliament of World's Religions

5- Cape Town

6- Tehran Seminar on Environment, Culture and Religion

7- Theocentrism

8- Pantheism

1- Theocentrism

2- Human Ecology

3- Global Forum of Spiritual and Parliamentary Leaders

**جدول ۲- اخلاق زیست‌محیطی ادیان ابراهیمی بر اساس نحوه پاسخگویی به دو پرسش اساسی اخلاق.**

چه چیزی بطور ذاتی ارزشمند است؟	
خدا محوری	تمامی مخلوقات زنده و غیر زنده (کل هستی) مخلوق خداوندند و به همین دلیل دارای ارزش و شایسته توجهات اخلاقی می‌باشند.
چه چیزی باعث می‌شود یک عمل، درست یا نادرست محسوب شود؟	
خداشناسی (وظیفه شناسی)	انجام دستورات الهی برای ارتباط با زیست بوم.

منبع: یافته‌های تحقیق.

بود، لذا، می‌توان اخلاق زیست محیطی ادیان ابراهیمی را با توجه به دو پرسش اساسی اخلاق، در جدول ۲، نشان داد. در دین اسلام، همانند ادیان مسیحی و یهودی، مالکیت خداوند بر مخلوقات خویش و همچنین عمل به وظایف و دستورات خداوند در ارزیابی رفتار انسان با محیط زیست طبیعی، مسلم است اما، یکی از ویژگی‌های جهان‌بینی اسلام در خدامحوری را می‌توان به مفهوم "محیط بودن خداوند بر همه چیز" مرتبط دانست.

تبیین اخلاق زیست محیطی بر اساس این مفهوم می‌تواند رهیافت فراگیرتری را برای تعامل مناسب انسان با محیط زیست طبیعی فراهم آورد که در ادامه بیان شده است.

در قرآن آیات زیادی وجود دارند که در آنها، خداوند به عنوان تنها خالق هستی معرفی شده است. برای مثال، می‌توان به آیه ۱۸۵ سوره اعراف، آیه‌های ۱۰۱ سوره انعام، آیه ۵۴ سوره اعراف، آیه ۴۵ سوره نور و آیه ۴ سوره سجده، اشاره کرد. این حقیقت در حالی است که طبق آموزه‌های اسلام، خداوند نه تنها خالق هستی است بلکه محیط بر آن و همه چیز محاط در خداوند است. برای مثال، آیه ۹۲ سوره هود، آیه ۱۲۶ سوره نساء<sup>۳</sup> و آیه ۵۴ سوره فصلت<sup>۴</sup>، بر محیط بودن خداوند بر همه چیز دلالت دارند.<sup>۵</sup>

اگرچه طرز تلقی ادیان غیرابراهیمی از طبیعت، شامل آموزه‌هایی است که می‌تواند در حفاظت از محیط زیست طبیعی کاربرد داشته باشد، اما آنها مورد بحث این مقاله نیستند. همان‌طور که ذکر شد، در خدامحوری ادیان ابراهیمی، خداوند خالق و نگهدار زمین است. بنابراین، مراقبت از محیط زیست، مراقبت از چیزهایی است که متعلق به خداوند است. اگرچه برخی به این دیدگاه، ایراد انسان محور را گرفته‌اند زیرا، معتقدند انسان را نسبت به سایر موجودات در مرتبه‌ای متفاوت می‌بیند، اما در دفاع باید گفت که اگرچه انسان در ادیان ابراهیمی متفاوت از بقیه مخلوقات است ولی، انسان به دلیل مسئولیتی که در قبال خداوند دارد، نسبت به محیط زیست نیز مسئولیتی ویژه دارد. این چنین مسئولیتی مستلزم این است که در هنگام تصمیم‌گیری درباره محیط زیست، پیامدهای ممکن بر سایر موجودات زنده نادیده گرفته نشود (۴۴).

به این ترتیب، در ادیان ابراهیمی، پرسش پیرامون این که چه چیزی از ارزش ذاتی برخوردار است، بر حسب خدامحوری ارائه می‌شود. به این معنا که، ارزش ذاتی در جهان هستی متعلق به خداوند است و ارزش سایر مخلوقات بر این مبنا قابل تعریف هستند. از این رو، تمامی اجزای طبیعت به دلیل این ارتباط از ارزش برخوردار می‌شوند و انسان وظیفه دارد تا از آنها مراقبت کند. لذا، می‌توان گفت معیار عمل اخلاقی نیز در چنین نگرشی، بر مبنای انجام وظایفی استوار است که با خداشناسی بر عهده انسان گذارده شده است.<sup>۱</sup>

عمل به دستورات خداوند درباره چگونگی رفتار با محیط زیست طبیعی از نمونه‌های بارزی است که در ادیان ابراهیمی، انسان به انجام آنها موظف است و رفتار وی با طبیعت با توجه به این دستورات، قابل ارزیابی اخلاقی خواهد

۱- خداشناسی متضمن آگاهی یافتن بر چیزی است که خداوند مردم را بدان مکلف ساخته است (۴۵).

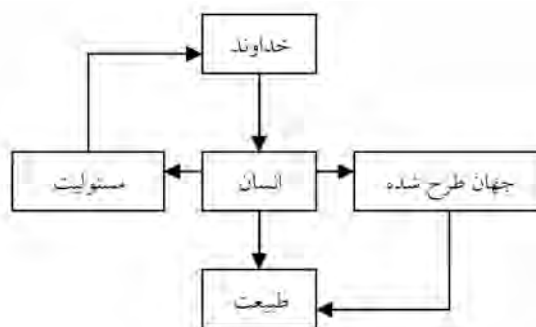
۳- قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسْتَعِينُونَ وَذَرُوا مَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَخْتَارُ لِمَن يَرْضَىٰ ۚ وَلِلَّهِ يَكُونُ أَلْحَقٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۚ

۴- لَا تَجْعَلُوا لِلَّذِينَ كَفَرُوا أَسْمَاءَ وَلَا يَكْفُرُوا بِاللَّهِ ۚ وَاللَّهُ يَخْتَارُ لِمَن يَرْضَىٰ ۚ وَلِلَّهِ يَكُونُ أَلْحَقٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۚ

۵- محقق‌داماد (۴۷) واژه "المحیط" در قرآن را یکی از تعبیرهای نزدیک به واژه محیط زیست می‌داند و از آن به عنوان نقطه آغاز هرگونه تلاش برای شناخت دیدگاه اسلام نسبت به محیط زیست و تعامل انسان با آن، یاد می‌کند.



نگاره ۲- جهان‌بینی پرورشی پیرامون طبیعت.



نگاره ۱- جهان‌بینی مداخله‌گرایانه پیرامون طبیعت.

برای ارائه یک جهان‌بینی غیرانسان‌محور به وسیله پُست‌مدرنیسم، به جای این که بر مبنای حل موانع دوجانبه‌ای باشد که باعث جدایی انسان از طبیعت می‌شود، یعنی آن چیزی که محیط‌زیست‌گرایان مدعی آن هستند، می‌باید بر هضم انسان در طبیعت به نحوی استوار باشد که مجدداً یگانگی<sup>۴</sup> بین انسان و تمام مخلوقات از جمله طبیعت را به خوبی کشف و درک کنیم<sup>۵</sup> (۴۸).

محیط بودن خداوند بر تمامی مخلوقات، بیانگر نوعی ارتباط و یکپارچگی است که بین انسان و طبیعت حاکم است. این یکپارچگی به این صورت قابل درک است که در آن، خداوند بر تمام هستی و اجزای آن، احاطه و سلطنت تام دارد و لذا، انسان و طبیعت با قرار داشتن در این حوزه، همگی به یک سرمنشاء واحد متکی هستند. به این صورت، رابطه انسان با طبیعت در دیدگاه خدامحوری اسلامی می‌باید با این حقیقت درک شود که خداوند نه تنها خالق تمام هستی است بلکه بر تمامی مخلوقات خویش نیز احاطه کامل دارد<sup>۶</sup>. به

برای مقایسه این دیدگاه با دیدگاه‌های جاری پیرامون ارتباط خداوند با انسان و طبیعت، می‌توان به نظر آریوردن<sup>۱</sup> اشاره کرد که درباره محیط زیست‌گرایی، دو جهان‌بینی مداخله‌گرایانه یا فن‌گرایی<sup>۲</sup> و پرورشی یا زیست‌بوم‌گرایی<sup>۳</sup>، را مطرح می‌کند. در جهان‌بینی نخست، هوش و روح رقابت‌جوی انسان، تعیین‌کننده اصول اخلاقی و هدایت‌گر رفتار است در حالی که در دیدگاه دوم، طبیعت هم تعیین‌کننده اصول اخلاقی (چگونه رفتار کنیم) و هم راهنمای قوانین رفتار (چرا باید این چنین رفتار کنیم) می‌باشد. این دو جهان‌بینی را می‌توان در نگاره‌های ۱ و ۲ نشان داد (۴۶):

در دو جهان‌بینی مذکور، که دیدگاه‌های رقیب پیرامون محیط زیست‌گرایی نیز محسوب می‌شوند، خداوند، انسان و طبیعت، سه جوهره مجزا تلقی شده‌اند که ارتباط آنها با یکدیگر، سلسله‌مراتبی است. از این رو، می‌توان گفت که به جهان‌بینی مداخله‌گرایانه، ایراد انسان‌محوری، وارد است. همچنین، جهان‌بینی پرورشی سعی دارد تا انسان را وادار نماید که اصول اخلاقی را از محیط زیست پیرامون خویش یعنی طبیعت، کسب کند اما، به این دیدگاه نیز ایرادی وارد است که به طرفداران جدایی دین از زندگی دنیایی وارد است. ولی، دیدگاه اسلامی با طرح محیط بودن خداوند بر تمام هستی، این روابط را به نحو دقیق‌تری ترسیم می‌کند و مفهومی کاملاً متفاوت و پشتوانه‌ای مناسب برای نیاز به یک جهان‌بینی کل‌نگر را برای حفاظت از محیط زیست، ارائه می‌دهد. اهمیت این جهان‌بینی را می‌توان در پاسخ به این نیاز درک کرد که تلاش

#### 4- Unity

۵- این تفکر برخاسته از تفکر توحیدی اسلام نیز می‌باشد (۷) به نحوی که قرآن، نتیجه‌گرایی به توحید را وحدت، جامعیت و قرب به خداوند و نتیجه‌گرایی به شرک را کثرت، تفرقه، ناموزونی، تجزیه، انحلال و دوری از خداوند معرفی می‌نماید (۴۵).

۶- هرگز نباید تصور کرد که احاطه خداوند به همه موجودات شبیه احاطه هوای پیرامون کره زمین به کره زمین است زیرا، چنین تصویری دلیل بر محدودیت است. منظور از احاطه پروردگار به همه چیز، وابستگی همه موجودات در ذاتشان به وجود مقدس او است. به تعبیر دیگر، در عالم هستی، یک وجود اصیل و قائم به ذات بیشتر وجود ندارد و بقیه موجودات، همه متکی و وابسته به او هستند و اگر این ارتباط از میان برداشته شود، همه مخلوقات فانی و معدوم می‌شوند. (تفسیر نمونه، جلد بیستم، ص ۳۳۶).

- 1- O'Riordan
- 2- Interventionist Mode or Technocentrism
- 3- Nurturing Mode or Ecocentrism



خودبوم‌شناسی در اخلاق زیست محیطی بر مبنای خودشناسی بنا می‌گردد زیرا، کلید بهبود وضعیت اخلاقی انسان، شناخت ماهیت یا نفس خویش<sup>۲</sup> است. به این ترتیب، انسان با شناخت نفس خویش، خود را در برابر بازدارنده‌های درونی خویش خواهد دید که به وی اجازه انجام هر رفتاری را نمی‌دهند. این موضوع درباره ارتباط انسان با محیط زیست طبیعی نیز صادق است و انتخاب نام خودبوم‌شناسی، به همین دلیل است. زیرا، انسان بدون شناخت ماهیت واقعی نفس خود، نمی‌تواند توجیهی برای اخلاق و بهبود وضعیت اخلاقی خویش در تعامل با محیط زیست، دارا باشد.

در خودبوم‌شناسی، تلاش برای حفاظت از محیط زیست تنها در صورتی موفقیت آمیز است که انسان با خود غیرواقعی مبارزه کند و خود واقعی خویش را پرورش دهد. خود واقعی انسان که ماهیتی ملکوتی یا خدایی دارد، می‌تواند با پرورش به نحوی شکوفا شود تا قابلیت خود را با تجلی صفات خداوندی، بروز دهد. به عبارت دیگر، اگر نفس واقعی انسان شکوفا شود، با خداشناسی خواهد توانست به خدا محوری دست یابد. به این صورت، دو معیار اخلاق زیست محیطی اسلامی یعنی، خدا محوری و خداشناسی در رفتار با طبیعت، محقق می‌شوند. این فرآیند به این صورت می‌تواند رخ دهد که انسان با خودشناسی یعنی شناخت نفس واقعی و پرورش آن، به خداشناسی می‌رسد. از این رو، خودشناسی به خداشناسی و خدا محوری می‌انجامد که ویژگی‌های آن قبلاً بحث گردید. از این رو، خودبوم‌شناسی با مفهومی سروکار دارد که از آن به نام صیانت و عزت نفس یاد می‌شود که جز با یاد خداوند امکان پذیر نیست (۵۰).



**نگاره ۳- فرآیند خودبوم‌شناسی در اخلاق زیست محیطی (منبع: یافته‌های تحقیق)**

این ترتیب، مفهوم یگانگی انسان و طبیعت، که برای حفاظت از محیط زیست ضروری دانسته می‌شود، در چارچوبی جامع‌تر ترسیم می‌گردد.

برای ترسیم برتری کانون ارزشی خدامحور در حفاظت از محیط زیست، می‌توان آن را با کانون‌های ارزشی رایج در اخلاق زیست محیطی، مقایسه کرد (جدول ۳). اهمیت این مقایسه هنگامی بهتر درک می‌شود که بدانیم خدا محوری، عوامل مهمی را تقویت می‌کند که بیشترین تاثیر را بر حفاظت از محیط زیست دارند یعنی: یگانگی انسان و طبیعت، مسئولیت‌پذیری انسان نسبت به محیط زیست، ضمانت اجرایی و فراگیری.

ممکن است این پرسش مطرح شود که در اخلاق زیست محیطی اسلامی که بر مبنای خدا محوری و خداشناسی استوار است چه رهیافتی را می‌توان برای حفاظت از محیط زیست به کار برد. پیشنهاد این مقاله، رهیافت خودبوم‌شناسی<sup>۱</sup> است.

### خودبوم‌شناسی: رهیافت اخلاق زیست محیطی

در مکتب توحیدی اسلام، نفس انسان، واحد و متشکل از دو بُعد مادی و روحانی است<sup>۲</sup> که کارهای اخلاقی انسان از بُعد روحانی نفس وی سرچشمه می‌گیرند. به عبارت دیگر، آن چیزی که موجب بروز رفتارهای اخلاقی در انسان می‌شود، در نفس روحانی انسان ریشه دارد (۴۹). نکته مهم این است که تمام ردایب اخلاقی از خود غیر واقعی یا خود حیوانی، نشات می‌گیرند و خود واقعی یا خود ملکوتی، به خوبی‌ها و فضایل اخلاقی امر می‌کند. همواره، بین خود واقعی و خودغیرواقعی، درگیری وجود دارد و هر یک از آنها می‌خواهند زمام امور انسان را در دست گیرند تا رفتار انسان را جهت دهند. با توجه به این واقعیت و بنابر کانون ارزشی خدا محور و معیار ارزشیابی خداشناسی اسلامی، می‌توان رهیافت خودبوم‌شناسی را در اخلاق زیست محیطی اسلامی معرفی کرد.

#### 1- EgoEcology

۲- انسان دارای دو "خود" یا دو "من" است که این دو با هم، نفس انسانی را به عنوان یک "وجود واحد"، تشکیل می‌دهند. یکی "خود واقعی" و دیگر "ناخود" یا "خود غیرحقیقی" است. البته این تقسیم‌بندی به معنای آن نیست که در انسان دو خود یا دو "من اصیل" موجود باشد. بلکه انسان از یک خود واقعی برخوردار است و یک ناخود، یا خود غیرواقعی که ممکن است آن را با خود واقعی اشتباه بگیرد (۴۹).

3- Ego

## احمدی عابدی سروسرستانی و همکاران: ماهیت و دیدگاه‌های اخلاق زیست محیطی با تاکید بر دیدگاه اسلامی

جدول ۳- مقایسه کانون ارزشی خدا محور با کانون‌های ارزش ذاتی رایج در اخلاق زیست محیطی.

کانون ارزش ذاتی	معیارهای مقایسه		
	یگانگی بین انسان و طبیعت	مسئولیت پذیری نسبت به محیط زیست	ضمانت اجرایی
انسان محوری	انسان و طبیعت دو جوهره مجزا هستند	مسئولیت نسبت به طبیعت ناشی از مسئولیت نسبت به انسان‌ها است	تا حدی که منافع انسان به خطر نیفتد
زیست محوری	انسان صرفاً با موجودات زنده اشتراکاتی دارد	انسان صرفاً نسبت به برخی موجودات زنده مسئولیت دارد	تا حدی که رفاه برخی جانداران به خطر نیفتد
زیست‌بوم محوری	انسان با زیست‌بوم مرتبط است	انسان نسبت به کل زیست‌بوم مسئول است	تا حدی که ثبات و انسجام زیست‌بوم به خطر نیفتد
خدا محوری	انسان با تمامی مخلوقات خداوند مرتبط است	انسان نسبت به خداوند و مخلوقات او مسئولیت دارد	تا حدی که مخلوقات خداوند به خطر نیفتند

منبع: یافته‌های تحقیق.

متصف نماید تا صیانت نفس واقعی امکان‌پذیر شود. از این‌رو، انسان‌هایی که به حفظ و صیانت از نفس واقعی می‌پردازند، با محیط زیست چنان رفتاری خواهند داشت که دست‌آوردهای آن را می‌توان به صورت زیر ارائه کرد:

۱) ردّ سلطه بدون مسئولیت انسان بر طبیعت. زیرا انسان خلیفه خداوند بر زمین است و امانت‌دار خداوند محسوب می‌شود.

۲) همزیستی با محیط زیست. زیرا انسان خود را همانند دیگر مخلوقات خداوند بر زمین می‌داند که همه آنها یک منشأ دارند. به این ترتیب، انسان نه تنها از طبیعت جدا نیست، بلکه در شبکه‌ای متشکل از موجودات زنده و غیر زنده قرار دارد.

۳) جلوگیری از استثمار طبیعت و اتلاف منابع. زیرا از انسان خواسته شده است تا به فساد در زمین که از مصادیق آن، تخریب محیط زیست و نابودی زیست‌بوم‌ها است، نپردازد.

۴) مسئولیت‌پذیری نسبت به رفتار با طبیعت. زیرا همان‌طور که انسان برترین مخلوق است، امانت‌دار مهم‌ترین امانت خداوند بر زمین، یعنی اختیار و آزادی، نیز می‌باشد. اگر تمام هستی مسخر انسان است، همین واقعیت تأیید کننده مسئولیتی است که او در برابر رفتارهای خویش با محیط زیست دارا است.

در ارتباط با محیط زیست می‌توان چنین گفت که صیانت و عزت نفس، تعامل مناسب انسان با محیط زیست طبیعی و در نتیجه حفاظت از آن را به دنبال خواهد داشت زیرا، کسی که با خودشناسی و صیانت از نفس واقعی، به خداشناسی رسیده باشد در رفتار خویش با سایر مخلوقات نیز از راهنمایی‌های نفس روحانی که ودیعه‌ای الهی است بهره می‌گیرد (نگاره ۳). در مقابل، کسی که نفس واقعی خود را فراموش کند و نفس حیوانی را برای خود برگزیند، مانعی درونی برای محدود کردن رفتار در اختیار نخواهد داشت و لذا رفتار با طبیعت از تمایلات حیوانی وی، پیروی می‌کند و طبیعت را جز ابزاری برای دستیابی به امیال و رفاه خویش نخواهد دید. این را می‌توان همان اتفاقی دانست که بروز بحران‌های زیست محیطی بر اساس آن قابل تحلیل است، یعنی سلطه بی‌حد و حصر انسان بر طبیعت و استثمار آن در راستای تولید بیشتر و افزایش رشد اقتصادی.

دست‌آوردهای خودبوم‌شناسی با تاکید بر شناخت و صیانت نفس واقعی انسان، ابزار مناسب را برای حفاظت از محیط زیست فراهم می‌آورد. خودبوم‌شناسی این باور درونی را تقویت می‌کند که حفظ محیط زیست و بهره‌برداری بهینه از آن می‌باید در راستای خداشناسی و رفتار احترام‌آمیز با کلیه مخلوقات خداوند از جمله طبیعت باشد و انسان به عنوان جانشین خداوند بر زمین نیز، می‌باید خود را به صفات الهی

### نتیجه‌گیری

برای حفاظت از محیط زیست، نحوه رفتار انسان با طبیعت و روش زندگی وی باید تغییر یابد. از این رو، تنظیم مجموعه رفتارهایی به عنوان راهنمای تعامل انسان با طبیعت، ضروری است. در این راستا، علم اخلاق که با توجه به نظام ارزش‌ها به تبیین باید‌ها و نبایدها و درستی و نادرستی رفتارهای انسان می‌پردازد، در قالب اخلاق زیست محیطی و به منظور تبیین رفتارهای انسان با طبیعت، بسط یافته است. وظیفه اخلاق زیست محیطی، تعیین اصول و معیارهایی است که بر روابط انسان با طبیعت به منظور ممانعت از آسیب رساندن به طبیعت و حفاظت از آن، حاکم باشند. این اصول با ایجاد بازدارنده‌های درونی اخلاقی، به دنبال تصحیح رفتار نادرست انسان با طبیعت هستند. در این راستا، یک طیف از دیدگاه‌ها مطرح شده است که در یک طرف آن، دیدگاه‌هایی هستند که ارزش ذاتی را صرفاً برای انسان قائل‌اند و با محور قرار دادن او، معتقدند که محیط زیست می‌باید در خدمت انسان و برای رفع نیازمندی‌های وی باشد. در طرف دیگر طیف، دیدگاه‌هایی قرار دارند که برای کلیه مخلوقات، اعم از زنده و غیرزنده، ارزش ذاتی قائل‌اند و جدای از اهمیتی که آنها می‌توانند برای انسان دارا باشند، حفظ و حراست از آنها را ضروری می‌دانند.

این در حالی است که، به دلیل نیاز به دیدگاه‌های کل‌گرا در تبیین رابطه انسان و طبیعت و همچنین رضایت‌بخش نبودن راهکارهای به کار رفته برای حفاظت از محیط زیست، مباحث دینی و معنوی در تعامل انسان با طبیعت اهمیت یافته‌اند. واقعیت این است که، ادیان به شکل‌گیری گرایش‌ها نسبت به طبیعت، کمک می‌کنند و جهان‌بینی و اخلاقی را می‌سازند که مبنایی برای گرایش‌ها و ارزش‌های فرهنگی جوامع به شمار می‌روند. ادیان به ما کمک می‌کنند تا راه‌ها و روش‌های ارتباط فعلی خود با طبیعت را مورد ارزیابی و بازنگری قرار دهیم و نوع سازگار با محیط زیست را دنبال کنیم.

اخلاق زیست محیطی دینی به دو پرسش اساسی اخلاق یعنی چه چیزی بطور ذاتی ارزشمند است؟ و معیار درستی یا نادرست بودن یک عمل چیست؟ پاسخ‌های متفاوتی از نظریه‌های متداول می‌دهند. این پاسخ‌ها به ترتیب عبارتند از خدامحوری و خداشناسی. در این بین، تعالیم اسلامی، پاسخ جامع‌تری را پیرامون پرسش درباره ارزش ذاتی ارائه می‌کند. این مفهوم از ارزش ذاتی، از ویژگی مهم، یعنی محیط بودن خداوند بر همه چیز برخوردار است که موجب ارائه مفهومی عمیق از یگانگی عالم هستی می‌شود که در آن،

۵) حفاظت و بهبود وضعیت محیط زیست. زیرا انسان نه تنها موظف به حفاظت از مخلوقات خداوند، است، بلکه می‌باید آن را بهبود بخشد. از این رو، خودبوم‌شناسی بر بهبود وضعیت محیط زیست به نحوی که تکامل آن تضمین گردد، استوار است.

۶) تقدس محیط زیست به دلیل ارتباط آن با خداوند. زیرا با تکامل نفس و درک یگانگی تمامی مخلوقات، محیط زیست نیز که مخلوق خداوند است مورد احترام و تقدس قرار می‌گیرد. این مفهوم، خود می‌تواند یک بازدارنده درونی مهم برای جلوگیری از صدمه رساندن به محیط زیست باشد.

۷) فراموش کردن خویش باعث بحران‌های زیست محیطی است. زیرا این بحران‌ها به این دلیل به وجود می‌آیند که انسان با کنار نهادن یاد خداوند، نفس واقعی خود را فراموش می‌کند و اسیر امیال و خواست‌های حیوانی خویش می‌شود.

بنابراین، تخریب محیط زیست انعکاسی از فراموش کردن خداوند و به تبع آن، فراموش کردن نفس واقعی خویش است که موجب می‌شود تا انسان با پیروی از خصلت‌های حیوانی خویش و بدون در نظر گرفتن جایگاه خود در هستی، یعنی ناتوانی در تشخیص ارتباط منسجم اجزاء هستی با یکدیگر و احاطه خداوند بر تمام هستی، به سمتی سوق پیدا کند که با خود محوری، به دنبال ارضای خواسته‌های خویش حتی به بهای تخریب محیط زیست، برآید.

رهیافت خودبوم‌شناسی از نظر درستی یا نادرستی رفتار، در ابتدا به یک نظریه وظیفه‌گرا شبیه است که در آن، انسان با یاد خداوند، ضمن پرورش نفس واقعی، دستورات و الزاماتی را رعایت می‌نماید که برای تعامل با محیط زیست طبیعی از طرف خداوند تعیین شده است. اما، به مرور و با بلوغ نفس واقعی، اصول اخلاقی الزامی، کم کم به صورت سجایایی در می‌آیند که سازنده صفاتی مشخص در رفتار انسان خواهند شد. این صفات، خوی و منش‌های ثابت و پایداری را موجب می‌شوند که از آنها به فضایل یاد می‌شود. به این ترتیب، اصول و الزامات اولیه رفتار با طبیعت که از صیانت از نفس واقعی و خداشناسی، ناشی شده باشند، با استمرار یاد خداوند، فضایی را در انسان پرورش می‌دهند که معیار ارزیابی رفتار با طبیعت می‌شوند.

## احمدی عابدی سروسنائی و همکاران: ماهیت و دیدگاه‌های اخلاق زیست محیطی با تاکید بر دیدگاه اسلامی

اسلام و با تاکید بر بُعد روحانی نفس انسان، تعامل مناسب انسان و محیط زیست را بر مبنای خودشناسی و صیانت نفس بنا می‌نهد و با توجه به ویژگی‌های این رهیافت، می‌توان آن را پاسخگوی نیاز انسان امروز در تعامل با طبیعت یعنی، ایجاد حس یگانگی با تمامی مخلوقات خداوند دانست.

رابطه بین انسان، طبیعت و خداوند به شکلی منحصر به فرد و به گونه‌ای است که تخریب محیط زیست، صدمه رساندن به یکپارچگی عالم هستی و آیات خداوند تلقی می‌شود و لذا، موانع درونی پایدارتری را برای جلوگیری از صدمه رساندن به محیط زیست فراهم می‌آورد. خودبوم‌شناسی، تلاشی برای ارائه رهیافتی خدامحور در اخلاق زیست محیطی است که با الهام از انسان‌شناسی

## منابع

1. Bourdeau P. The man-nature relationship and environmental ethics. *Journal of Environmental Radioactivity* 2004; 72: 9-15.
2. Rshn SMK. Care for Creation: Human Activity and the Environment. Libreria Editrice Vaticana, Vatican City 2000; 109 pp.
3. رابینسون دیو، گارات کریس. اخلاق: قدم اول. ترجمه: علی اکبر عبدالآبادی. شیراز، تهران، ۱۳۷۸.
4. Kortenkamp KV, Moore CF. Ecocentrism and anthropocentrism: Moral reasoning about ecological commons dilemmas. *Journal of Environmental Psychology* 2001; 21: 261-272.
5. Fricker A. The ethics of enough. *Future* 2002; 34: 427-433.
6. Tucker M E, Grim J. Series foreword. In: Grim J A, Editor. *Indigenous Traditions and Ecology*. Harvard University Press, Massachusetts, 2001, pp.xv-xxxii.
7. امین‌زاده بهناز. جهان‌بینی دینی و محیط زیست: درآمدی بر نگرش اسلام به طبیعت. محیط‌شناسی، ۱۳۸۱، سال ۲۸، شماره ۳۰، صفحات ۱۰۶-۹۷.
8. Jenkins TN. Analysis, economics and the environment: A case of ethical neglect. *Ecological Economics* 1998; 26: 151-163.
9. بنسون جان. اخلاق محیط زیست: مقدمات و مقالات. ترجمه: عبدالحسین وهاب‌زاده. انتشارات جهاد دانشگاهی، مشهد، ۱۳۸۲، ۳۳۶ صفحه.
10. Ehrich PR. Human nature, nature conservation, and environmental ethics. *BioScience* 2002; 52(1): 31-43.
11. Holden A. In need of new environmental ethics for tourism. *Annals of Tourism Research* 2003; 30(1): 94-108.
12. Sesin V. Environmental ethics and human interests: problems of mutual relations 2003. Available at: [http://www.fondazioneanza.it/epa/abstract/sesin\\_full.pdf](http://www.fondazioneanza.it/epa/abstract/sesin_full.pdf).
13. Oughton D. Protection of the environment from ionizing radiation: Ethical issues. *Journal of Environmental Radioactivity* 2003; 66: 3-18.
14. Abaidoo S. Human-nature Interaction and the Modern Agricultural Regime: Agricultural Practices and Environmental Ethics. PhD Dissertation, Dept. of Sociology, University of Saskatchewan, Canada 1997; 305 pp.
15. Hatcher T. Environmental ethics as an alternative for evaluation theory in for-profit business contexts. *Evaluation and Program Planning* 2004; 27: 357-363.
16. Corral-Verdugo V, Bechtel R B, Fraijo-Sing B. Environmental beliefs and water conservation: An empirical study. *Journal of Environmental Psychology* 2003; 23: 247-257.
17. میسر کریس. جایگاه تنوع اکولوژیکی در توسعه پایدار. ترجمه: علیرضا کوچکی و عبدالمجید مهدوی‌دامغانی. انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۸۲.
18. Minter B A, Corley E A, Manning R E. Environmental ethics beyond principle? The case for a pragmatic contextualism. *Journal of Agricultural and Environmental Ethics* 2003; 17: 131-156.
19. O'Neill O. *Autonomy and Trust in Bioethics*. Cambridge University Press, Cambridge 2002; 228 pp.
20. Brennan A, Yeuk-Sze L. Environmental ethics. In: Zalta E N, Editor. *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* 2002. Available at: <http://www.plato.stanford.edu>.

21. Paterson B. Ethics for wildlife conservation: Overcoming the human-nature dualism. *BioScience* 2006; 56(2): 144-150.
22. Pojman LP. Does nature have intrinsic value? Biocentric and ecocentric ethics and deep ecology. In: Pojman LP, Editor. *Environmental Ethics: Reading in Theory and Application*. Thomson Learning, London 2001, pp. 75-76.
23. Zelezny L, Schultz P W. Values as predictors of environmental attitudes: Evidence for consistency across 14 countries. *Journal of Environmental Psychology* 1999; 19: 255-265.
24. Bejerke T, kaltenborn B P. The relationship of ecocentric and anthropocentric motives to attitudes towards large carnivores. *Journal of Environmental Psychology* 1999; 19: 415-421.
25. Kaltenborn BP, Bjereke T. Associations between environmental value orientations and landscape preference. *Landscape and Urban Planning* 2002; 59: 1-11.
۲۶. حسنی سیدحمیدرضا، علی‌پور مهدی. مقدمه مترجمان. در: از مساله محوری تا فضیلت‌گرایی: نقدی بر تحویل‌گرایی در اخلاق. نویسنده: ادموند پنکافس. ترجمه: سیدحمیدرضا حسنی و مهدی علی‌پور. دفتر نشر معارف، تهران، ۱۳۸۲.
27. Newton LH. *Ethics and Sustainability: Sustainable Development and the Moral Life*. Prentice Hall, New Jersey, 2002; 117 pp.
28. Bookchin M. What is social ecology? In: Sterba J P, Editor. *Earth Ethics*. Prentice Hall, London; 1995, pp. 245-259.
29. Leopold A. Ecocentrism: The land ethic. In: Pojman L, Editor. *Environmental Ethics: Reading in Theory and Application*. Thomson Learning, London; 2001, pp. 119-126.
30. Naess, A. The shallow and the deep, long-range ecological movement. In: Pojman L, Editor. *Environmental Ethics: Reading in Theory and Application*. Thomson Learning, London; 2001, pp. 147-149.
۳۱. آکسین جورج اچ. راهنمای رهیافت‌های گوناگون ترویج. ترجمه: علیرضا کاشانی و جواد میر. مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهاد سازندگی، تهران، ۱۳۷۰.
32. Pojman LP. Ecofeminism and deep ecology. In: Pojman LP, Editor. *Environmental Ethics: Reading in Theory and Application*. Thomson Learning, London; 2001, pp. 189.
33. Warren K J. The power and the promise of ecological feminism. In: Pojman LP, Editor. *Environmental Ethics: Reading in Theory and Application*. Thomson Learning, London 2001; pp. 189-199.
34. Gue L. The case for ethical inquiry in science and technology policy. *EcoAction Journal* 2004; 2: 53-69.
35. Guertin, J D. Feature section: Tunneling and underground space for sustainable development. *Tunnelling and Underground Space Technology* 1996; 11(4): 373-375.
36. Cairns R D. On accounting for sustainable development and accounting for the environment. *Resource Policy* 2006; 31(4): 211-216.
37. Jacob M. Toward a methodological critique of sustainable development. *The Journal of Developing Areas* 1994; 28: 237-252.
38. Gollagher M. The importance of traditional knowledge for sustainability: An analysis of Equitation. In: Wooltorton S, Marinova D, Editors. *Sharing Wisdom for Our Future. Environmental Education in Action: Proceedings of the National Conference of the Australian Association for Environmental Education*. Australian Association for Environmental Education, Sydney; 2006, pp.74-83.
39. Motavalli J. Stewards of the earth. *The Environmental Magazine* 2002; 13 (6): 2-11.
40. Dwivedi O P. Satyagraha for conservation: Awakening the spirit of Hinduism. In: Pojman L, Editor. *Environmental Ethics: Reading in Theory and Application*. Thomson Learning, London 2001; pp. 250-256.
۴۱. محقق‌داماد سیدمصطفی. الهیات محیط زیست. نامه فرهنگستان علوم، ۱۳۸۰، سال ۶، شماره ۱۷، صفحات ۳۰-۷.
42. Tucker M E. Religions enter an ecological phase. *The Environmental Magazine* 2002; 13(6): 12-14.
43. Shahvali M. A research epistemology and time scale for the conservation of environment. In: *International Conference on Research Methodologies in Science, Engineering and Technology*. Imam Hossein University, Tehran 2006.
44. Bryant, J, la Velle L B, Searle J. *Introduction to Bioethics*. John Wiley & Sons Ltd, Chichester 2005; 240 pp.
۴۵. چیتیک ویلیام. تتولوژی و توسعه. ترجمه: سیدمحمد آوینی. نامه فرهنگ، ۱۳۷۲، سال ۳، شماره ۴، صفحات ۶۳-۵۱.

46. Gought S, Scott W, Stables A. Beyond O'Riordan: Balancing anthropocentrism and ecocentrism. *International Research in Geographical and Environmental Education* 2000; 9(1): 36-47.
47. محقق داماد سیدمصطفی. طبیعت و محیط زیست از نگاه اسلام. نامه فرهنگ، ۱۳۷۳، دوره ۴، شماره ۱۳، صفحات ۷۸-۸۹.
48. Marshall A. A postmodern natural history of the world: Eviscerating the GUTs from ecology and environmentalism. *Stud. Hist. Phil. Biol. & Biomed. Sci.* 1998; 29(1): 137-164.
49. مطهری مرتضی. فلسفه اخلاق. انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۳، ۲۵۴ صفحه.
50. ارفع سیدکاظم. اصلاح نفس. انتشارات پنگوئن، تهران، ۱۳۶۲، ۱۰۲ صفحه.

